

پژوهش و توسعه





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بازار آزاد و لزوم حمایت از کشاورزی

سید محمدسعید نوری نائینی

۱. مقدمه

سأهأست، نه تنها در ایران، که تقریباً در همه جا، بر سر کارساز بودن بازار آزاد در سامان بخشیدن به تخصیص منابع تولیدی به بهترین کاربرد آنها و ایجاد رشد و توسعه و رفاه، مباحثات و حتی مناقشات بسیار در جریان است و پایان نزدیکی نیز برای آن انتظار نمی‌رود. از یک طرف هواداران "بازار آزاد" و به بیان بنیانگذار آن آدم اسمیت، "دستهای نامرئی" اعتقاد دارند که آزادی بازار و مکانیسم قیمت خود به خود همه امور را سامان می‌بخشد و بهتر است دولت لاقفل در زمینه‌های اقتصادی، هیچ دخالتی نکند تا همه امور سامان یابد. این گروه که "متعصبین مکانیسم قیمت" نیز خوانده شده‌اند، دخالتها، سرمایه‌گذاریها و حمایتهای دولت را از هر نوع و گروه که باشد باعث کاهش کارایی و تخصیص نابهینه منابع می‌دانند. از دگر سوی، طرفداران اقتصاد برنامه‌ای هرچند که با فروپاشی اقتصادهای دولتی بلوک شرق پایه اعتقادات اقتصادیشان به سستی گراییده است، همچنان طرفدار دخالتهای عمده دولت بویژه در مسائل رفاهی و توزیع درآمد می‌باشند.

گذشته از نظریه پردازی بلند مرتبه بویژه در زمینه اقتصاد عملی، تعداد افراد متعلق به این دو گروه اندک و ناچیز است. آنان که با مسائل عملی اقتصاد مواجهند، به درجات متفاوت دخالت دولت را نه تنها مفید بلکه واجب می‌شمارند. استدلال این افراد دامنه وسیعی را می‌پوشاند که از فلسفه وجودی "انسان اقتصادی" یعنی سنگ زیربنای اقتصاد آزاد شروع می‌شود و تا شک و تردید نسبت به صحت فرضیهایی که پیشیناز اثبات کارایی اقتصاد آزاد در شرایط حاکم بر بازارهای متفاوت است ادامه می‌یابد.

از آن جا که این‌گونه گفتگوها در سالهای بعد از پیروزی انقلاب، تاکنون، تا حدودی زیاد و البته با نتیجه‌ای اندک در کشور رایج بوده است. به نظر نمی‌رسد که یک‌بار دیگر مطرح کردن آن به روال سابق فایده‌ای داشته باشد، ولی شاید بیان آن در چارچوبی دیگر، یعنی از طرف جمعیتی بیش از هزار نفر که همه در کار خویش متخصص بودند، و در زمینه‌ای خاص به حصول تفاهمی بیشتر کمک کند.

۲. سمپوزیوم امنیت غذایی

در مهرماه ۱۳۷۴ شهر کوچک و زیبای کبک در کانادا، قبل از آن که برای دومین بار برای کسب استقلال تلاشی بپهوده کند، میزبان سمپوزیوم امنیت غذایی به عنوان پیش درآمد اجلاس وزیران کشاورزی بیش از ۱۷۰ کشور دنیا بود. باز هم با همان عنوان "امنیت غذایی". در این گردهمایی بیش از هزار نفر از متخصصین رشته‌های مختلف، آگاه به مسائل فقر و گرسنگی و امنیت غذایی و تولید غذا شرکت داشتند که از برندگان جایزه نوبل، تا جوانانی که هنوز مدرک دکترایشان داغ و دلچسب تازه به دستشان رسیده بود را دربر می‌گرفت. دست‌آورد حاصل از مطالعات و نظرات این افراد در زمینه‌های گوناگون از صافی بحثهای علمی و تجربی فراوان گذشت و آنچه مقبولیت عام داشت به طور خلاصه منتشر شد. باقیانده این مکتوب به معرفی و تشریح مختصر دست‌آوردهای این سمپوزیوم در "زمینه مدیریت بازارها" می‌پردازد: آنچه در این باب با اقبال عام مواجه بود در ۵ موضوع به شرح زیر خلاصه شده است:

بازار آزاد و لزوم حمایت از کشاورزی

۱. اعتراف می‌کنیم که بازار، نمی‌تواند مسئله امنیت غذایی را حل کند. در کشورهای فقیر باید حمایت‌های لازم در این زمینه اعمال شود.

۲. نقش دولت در این زمینه باید مجدداً به نحوی تعریف و تعیین شود که برای ایجاد و استمرار امنیت غذایی جوی مساعد ایجاد شود زیربناهای عمومی، آموزش، قوانین و مقررات و اطلاع‌رسانی عمومی باید از توجه خاصی برخوردار شود.

۳. در درجه نخست و قبل از توجه به تجارت خارجی و اقدام به وارد کردن مواد غذایی، باید تمامی امکانات داخلی برای تولید غذا به کار گرفته شود. وارد کردن مواد غذایی یعنی وارد کردن آب.

۴. باید در تشکیل و توسعه سازمانهای اجتماعی براساس مشارکت فعال محلی، بویژه سازمانهای زنان، با روحیه‌ای غیرمتمرکز تسریع کرد.

۵. گرچه یارانه‌های اضافی باید حذف شود ولی حذف کمکهای بخش کشاورزی جایز نیست.

نسخه‌ای است مختصر و مفید، که حمایت بین‌المللی گروهی بزرگ از متخصصین جهان را به عنوان پشتوانه با خود حمل می‌کند.

امیدوارم که "متعصبین مکانیزم قیمت" در اقتصاد ایران هم به خود آیند و با این جمع همصدا شوند که تولید غذا و امنیت غذایی را نمی‌توان به امید عملکرد "دستهای نامرئی" وا گذاشت چون صرف‌نظر از این که نادیده گرفتن چنین پشتوانه‌های علمی کار خردمندان نیست، شکست در آن نیز مستلزم پرداخت تاوانی عظیم یعنی پیوستن به گروه صدقه‌بگیران بین‌المللی (تحت عنوان آبرومندان "کمکهای غذایی") است که متأسفانه تعداد کشورهای مشمول آن کم نیست و به سهولت نمی‌توان جایی در صف طولانی داوطلبان گرسنه پیدا کرد مخصوصاً که به همت والا و تلاش و بردباری شبانه‌روزی کشاورزان کشور (و البته سیاستها و حمایت‌های درست دولت و مجلس) در این صف جایی هم رزرو نکرده‌ایم و دور باد و مباد آن روز که به اجبار به آن تن در دهیم.

۳. تفسیر توافقه‌ها و توصیه‌ها

یکم - اعتراف می‌کنیم که بازار نمی‌تواند مسئله امنیت غذایی را حل کند، در کشورهای فقیر

باید حمایت‌های لازم در این زمینه اعمال شود.

مسئله امنیت غذایی هنگامی حل شده تلقی می‌شود که همه مردم، همیشه به مقدار کافی غذای برخوردار از کیفیت مطلوب دسترس داشته باشند و عواملی چون کمبود درآمد و تعلق به طبقه و گروهی خاص در اجتماع و پیش‌آمدهای ناگوار و نامساعد جوی و طبیعی مانع این برخورداری نشده و منابع طبیعی (آب، خاک، جنگل و مرتع و محیط‌زیست) نیز در اثر بهره‌برداری بی‌رویه دچار فرسایش و تخریب نشود.

حصول چنین شرایطی به روشنی در مغایرت اساسی با اصول حاکم بر بازار آزاد قرار می‌گیرد. زیرا ابتدا بازار آزاد به مسئله توزیع درآمدها توجهی ندارد و آن را حاصل مالکیت عوامل تولید و استعدادهای ویژه اشخاص می‌داند و جایی برای کمک به آنان که درآمدها به حد تأمین معاششان نمی‌رسد قایل نیست. دوم اگر در اثر عوامل نامساعد جوی و طبیعی عرضه غذا کاهش یابد و گروهی از مردم قادر به تولید غذای خود و یا درآمد کافی برای تهیه غذا نشوند، راه حل بازار بسیار ساده است: بگذارید قیمت‌ها آنقدر افزایش یابد که عرضه و تقاضا به تعادل برسد. به عبارت دیگر:

”گر از نیستی دیگری شد هلاک تو راهست، بط را ز توفان چه باک!“

همچنین، بازار آزاد را با محیط‌زیست و حفظ آن کاری نیست و شاهد آن هم خسارات جبران‌ناپذیری است که کشورهای پیشرو تابع بازار آزاد به محیط‌زیست بین‌المللی وارد ساخته‌اند. بارانهای اسیدی، نازک شدن لایه اوزن، خاصیت گلخانه‌ای و غیره تحت تأثیر تولید انبوه کالا به ارزانترین روش ایجاد شده است و بازار قادر به تعیین این هزینه‌ها و در نظر گرفتن آنها در تصمیمات تولیدی و مصرفی نیست و به طور اصولی بازار را با این‌گونه امور کاری نیست. یکی از ضعفهای عمده بازار همین چشم‌پوشی است که روز به روز توجه بیشتر و مخالفت جدی‌تری را جلب می‌کند. خلاصه آنکه تا آن جا که به اصول اقتصاد و بازار مربوط است ناامنی غذایی در حیطه تصمیمات اقتصادی قرار نمی‌گیرد و بحثی از آن به میان نمی‌آید و به همین دلیل است که توصیه شده است که کشورهای فقیر باید حمایت‌های لازم را در این زمینه اعمال کنند. منظور از کشورهای فقیر

بازار آزاد و لزوم حمایت از کشاورزی

نیز آن گروه از کشورهایی هستند که بدون حمایت‌های لازم قسمتی از جمعیتشان دچار عدم امنیت غذایی خواهد شد. زیرا بدون حمایت از بخش کشاورزی درصد عمده‌ای از کشاورزان و روستاییان با مشکلات جدی امنیت غذایی روبه‌رو خواهند شد. اینکه حمایت‌های لازم چیست و چگونه باید اعمال شود نیازمند بحثی تخصصی و مفصل است ولی آنچه در این مختصر می‌توان بیان کرد اینکه این حمایت‌ها می‌تواند متوجه مصرف یا تولید باشد. حمایت‌های مصرفی گرچه مستقیم‌ترین روش برخورد با ناامنی غذایی است ولی اگر بسیار دقیق برنامه‌ریزی نشود و گروه‌های برخوردار از آن (گروه هدف) دقیقاً مشخص نباشد دارای پیامدهای منفی گسترده‌ای خواهد بود که دامنه آن از کاهش کیفیت و اسراف و افزایش ضایعات گرفته و تا تأثیر بر متغیرهای عمده و کلان اقتصادی چون کسری بودجه و افزایش تورم ادامه می‌یابد که تأثیر منفی آن بر گروه‌های کم درآمد که این یارانه به خاطر آنها وضع شده است بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی خواهد بود این مسئله‌ای است که ما در مورد نان به آن دچار هستیم و دولت برای تأمین امنیت نان مردم نه تنها ارقام نجومی یارانه مصرفی می‌پردازد بلکه سایر پیامدهای منفی را نیز تحمل می‌کند. گرچه این سیاست در شرایط اقتصادی - اجتماعی کنونی بسیار ارزنده و قابل ستایش است ولی بدون تردید باید بتدریج نسبت به روش‌های اجرایی آن که به طور عمده متوجه کاهش جنبه‌های منفی است اقدام جدی و حساب شده صورت گیرد به طوری که ضمن حفظ امنیت موجود برای گروه‌های کم درآمد و نیازمند، گزینه‌های متفاوت از بوته یک تحلیل هزینه - فایده اجتماعی بگذرد و بهترین آنها انتخاب شود که بی‌تردید به صورت مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌های هماهنگ عرضه خواهد شد.

از دگر سوی، حمایت‌های تولیدی صحیح که منجر به افزایش عرضه غذا می‌شود نه تنها پیامدهای منفی ذکر شده را ندارد بلکه با افزایش عرضه موجب کاهش تورم و کمک عام به امنیت غذایی می‌شود. تنها مشکل موجود در این زمینه آن است که این سیاست نیز در پاره‌ای از اشکال خود نیازمند دخالت دولت در قیمت‌های محصولات یا نهاده‌هاست که مورد ایراد طرفداران بازار آزاد قرار می‌گیرد ولی این مسئله به قدری مهم است که نه تنها همه کشورها اعم از توسعه یافته و در

حال توسعه (با هدفهای متفاوت) به آن می‌پردازند بلکه به اصطلاح آنقدر شور است که خان هم فهمیده است و در مقررات گات (GATT) نیز علاوه بر سیاستهایی که به نام سیاستهای جعبه سبز نامیده شده است اعمال حمایتهایی از این دست را تا حدود زیادی در کشورهای در حال توسعه مجاز شناخته است. در هر حال این مقوله نیازمند بحث و تحقیقات عمیق جدی و تخصصی است و باید جزو اولویتهای پژوهشی دانشگاهها و دستگاههای مسئول قرار گیرد.

دوم - نقش دولت در زمینه امنیت غذایی باید بار دیگر به نحوی تعریف و تعیین شود که برای ایجاد و استمرار امنیت غذایی جوی مساعد ایجاد شود. زیربناهای عمومی آموزش قوانین و مقررات و اطلاع‌رسانی عمومی باید از توجه خاص برخوردار باشد.

دلیل تأکید سمپوزیوم بر تعریف و تعیین مجدد نقش دولت در این زمینه آن است که در دهه گذشته سازمانهای بین‌المللی همگام با کشورهای پیشرفته فشار فزاینده‌ای را بر دولتها بویژه در اقتصادهای مختلط جهان سوم وارد کرده‌اند و می‌کنند که هرچه بیشتر خود را با ضوابط اقتصاد و تجارت آزاد منطبق سازند و اصول نظری تخصیص بهینه منابع و برتریهای نسبی را سرلوحه و سرمشق کار خویش قرار دهند. این فشارها همان طور که در قسمت قبل به اختصار توضیح داده شد، موجب شده است که نقش دولتها در توزیع ثروت و درآمد کم‌رنگ شود. این پدیده در جوامع جهان سوم که به طور عام از وجود مؤسسات تأمین اجتماعی و بیمه‌های مؤثر و کارآمد برخوردار نیستند، قشر کم درآمد را به طور مستمر و اکثریت مردم را در مواردی خاص (رویدادهای غیرمترقبه) با نبود امنیت غذایی شدید مواجه می‌کند. از آنجا که پیامدهای ناامنی غذایی به دلیل تأثیر بر سلامت جسم و روان عواقب منفی درازمدت دارد، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. به همین دلیل است که به تعریف مجدد نقش دولت توصیه شده است، تا در مواردی که دولت چنین نقشی را برعهده نگرفته است به جبران آن بپردازد. در این توصیه مواردی خاص از قبیل زیربناهای عمومی، آموزش، قوانین و مقررات و اطلاع‌رسانی مورد تأکید قرار گرفته است. زیربناهای عمومی به طور معمول به زیربناهای اجتماعی و فیزیکی تقسیم می‌کنند. در گروه نخست

بازار آزاد و لزوم حمایت از کشاورزی

آموزش، پژوهش بهداشت و درمان و در گروه دوم، راه و ارتباطات، انرژی، آبیاری و غیره قرار می‌گیرد. این بخشها به دلیل طبیعت خاص خود توجه کافی دولت را می‌طلبند زیرا بدون رسیدن به حداقلی از این خدمات اصولاً رشد و توسعه دچار بحران می‌شود تا چه رسد به امنیت غذایی در سطح خانوار و فرد که موضوعی بسیار تخصصی و حساس است. جالب آن که بر آموزش، قوانین و مقررات و اطلاع‌رسانی که خود جزو زیربناهای اجتماعی است تأکید مضاعف شده است. این امر نشانگر اهمیت ویژه این زیربناهاست. در نقش آموزش سخن بسیار رفته است و در این مکتوب کوتاه، جز آنکه بر اولویت بی‌چون و چرایش دوباره تأکید شود، سخنی به میان نمی‌آید.

در مورد قوانین و مقررات هم شاید ذکر این حقیقت کافی باشد که بدون "امنیت قضایی" دسترس به "امنیت غذایی" آرزویی دست نیافتنی است. این امر بی‌تردید شمول عام دارد و هیچگونه پیشرفت، توسعه و رفاه بدون برخورداری عملی از قوانین و مقررات درست و صریح و قاطع خواب و خیالی بیش نیست. تاریخ گذشته ایران سراسر شاهدی بر ناکامیهای ملی حاصل از فقدان و نبود اجرا و استمرار قوانین مطلوب و قاطع است. این موضوع شاید تا گذشته‌ای نه چندان دور که ایران کشوری بود کشاورزی در جهانی پراکنده، از نظر بین‌المللی اهمیتی چندانند داشت و توجهی در خور جلب نمی‌کرد. ولی اکنون که دنیا در سایه سرعت سرسام‌آور تحرک بشر و به تعبیری درست، به روستایی جهانی (global village) تغییر مقیاس داده است، این موضوع هم از لحاظ منزلت دولتی و ملی و هم از دیدگاه قضاوت و عکس‌العمل بین‌المللی از چنان حساسیتی برخوردار است که مقدم شمردن "امنیت قضایی" بر "امنیت غذایی" از توجیهی عام برخوردار خواهد بود.

اطلاعات درست، پایه و اساس و لازمه تصمیم درست در سطح خرد و کلان است. اطلاعات ناقص و نادرست منجر به تصمیمات اشتباه و پیامدهای ناخواسته خواهد شد. اگر هدف، رسیدن به دستاوردهای معین و مشخص است باید براساس اطلاعات دقیق تصمیم‌سازی کرد (Decision making) که البته امری است نه چندان سهل. اگر موارد اولیه این کار، یعنی اطلاعات درست و صحیح در دسترس نباشد، دیگر چه لزومی به تحمل رنج تصمیم‌سازی داریم؟ اگر بر زمینه‌ای سست بنا می‌سازیم چه لزومی دارد که مقاومت مصالحش را محاسبه کنیم، چون در هر حال فرو خواهد

ریخت. طبیعی و منطقی است که در چنین شرایطی ساده‌ترین راه را برگزینیم و اصل فکر را تحریف کنیم و تصمیم‌سازی را به تصمیمگیری تغییر دهیم و تفسیر غایبیم و فارغ از درستی و نادرستی اطلاعات به دامن آزمون و خطا پناه بریم و در دایره‌ای سرگردان شویم که ضمن تلاش و کار ظاهری و خستگی واقعی دستاوردی اندک مثبت یا منفی و در هر حال مبهم داشته باشد. بر همین استدلال ساده است که اطلاع‌رسانی اهمیت می‌یابد و یکی از وظایف عمده و مهم دولت تلقی می‌شود و اگر با ابهام مواجه باشد امنیت غذایی را به خطر می‌اندازد.

سوم - در درجه نخست و قبل از توجه به تجارت خارجی و اقدام به وارد کردن مواد غذایی، باید تمامی امکانات داخلی برای تولید غذا به کار گرفته شود. وارد کردن مواد غذایی یعنی وارد کردن آب.

این توصیه به احتمال قوی در میان دلبستگان به نظریه "برتریهای نسبی" نه تنها با خوش‌آمد مواجه نخواهد شد، بلکه غیرعلمی و واپسگرا تلقی شده و سرنوشتی بیش از "زباله‌دان تاریخ" تعیین نخواهد شد. ولی این توصیه یک اجتماع هزار نفری از متخصصین بین‌المللی است و با این پشتوانه قوی می‌تواند ادعا کند که لااقل در چارچوب شرایط ملی کشورهای در حال توسعه ارزش بازمی‌تجدید نظر کلی دارد.

نکته مهم این که توصیه شده است که اگر در داخل کشور می‌توان غذا تولید کرد، بدون هیچ قید و شرط دیگری این کار را انجام دهید و به سراغ وارد کردن مواد غذایی نروید. این بیان با نظریه "برتریهای نسبی" مغایر است. براساس این نظریه باید امکانات را به تولید کالایی اختصاص داد که کشور در آن برتری نسبی دارد. یعنی اگر با امکانات موجود یک خانوار کشاورز می‌تواند یک قالی بافت و آن را صادر کرد و با پول آن ۲ تن گندم وارد کرد و اگر با همین امکانات فقط می‌تواند ۱/۵ تن گندم در داخل تولید کرد (این یا آن) بهتر است که قبل از توجه به تجارت خارجی اقدام به وارد کردن مواد غذایی باید تمامی امکانات داخلی برای تولید غذا به کار گرفته شود. این تقابل ظاهری را چگونه می‌توان برطرف کرد و توصیه سمپوزیوم امنیت غذایی چه پشتوانه‌ای علمی

دارد؟

واقعیت آن است که هم از لحاظ نظری و هم باتوجه به تجربه و عمل، بر نظریه بر برتریهای نسبی ایرادات منطقی چندی وارد است که در این جا به دو مورد کلی آن بسنده می‌شود:

نظریه بر برتریهای نسبی بر فرض آزادی کامل و رقابتی بودن بازار بین‌المللی استوار است، یعنی اینکه فرض می‌شود هیچگونه انحصار، دخالت دولتی و ملاحظه سیاسی در تجارت بین‌المللی وجود ندارد و فقط مکانیزم بازار (نیروهای عرضه و تقاضا) حجم و شرایط (از جمله قیمت) کالاها را تعیین می‌کند و نکته مهم دیگر آنکه اطلاعات بازار به طور کامل و جزئی در اختیار کلیه خریداران و فروشندگان جهان قرار دارد، یعنی همه خریداران و فروشندگان بالقوه از کمیت و کیفیت و قیمت تمامی کالاهای قابل عرضه آگاهند و براساس این اطلاعات کامل تصمیم به خرید از یک کشور می‌گیرند، که در آن کشور هم از بین تمامی تولیدات بالقوه کالاهای قابل تولید ارزانترین آن به بازار عرضه می‌شود.

واضح است که این شرایط که پیشفرض صحت نظریه فوق است، به هیچ عنوان در بازار بین‌المللی وجود ندارد. وجود انحصارهای جهانی و شرکتهای چند ملیتی که عرضه بسیاری از کالاها و از جمله مواد غذایی را، از طریق کنترل تولید یا کنترل تجارت، در اختیار دارند، نمونه بارز نبود وجود رقابت کامل در بازار بین‌المللی است. در مورد امنیت غذایی می‌توان با نگاهی به کتاب غولهای غلات، ترجمه شادروان دکتر جهانبگلو دریافت که چگونه حتی ظهور و سقوط دولتها، در گرو سرسیردگی و یا عناد با این انحصارهاست. دخالتهای سیاسی دولتهای زورمدار، در بازار بین‌المللی نیز موضوعی است که شاید از دیدگاه تنگ متعصبین مکانیزم قیمت پنهان باشد آن هم نه در ایران که در چند سال اخیر به طور رسمی و علنی و گسترده شرایط سخت تجاری حاصل از تحریمهای گسترده را تحمل کرده است. حتی اگر فرض کنیم که بروز اینگونه شرایط استثنایی و محدود است و نباید در بحثهای منطقی عام وارد شود باز هم موضوع به قوت خود باقی است، زیرا حتی یک کشور به طور نمونه در کل جهان پیدا نخواهید کرد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم کشاورزیش را مورد حمایت قرار ندهد و به پرداخت یارانه صادراتی اقدام نکند. در سند نهایی دور اوروگونه نیز

که به منظور هدایت تجارت جهان در راه از بیش تعیین شده مورد نظر کشورهای صادرکننده عمده جهان تبیین شده است پرداختهای مستقیم دولت به کشاورزان مجاز شناخته شده است و این درست مانند همان راهی مخفی است که در قصرهای بزرگان قدیم برای رفت و آمدهای محرمانه پیشبینی می‌شد، زیرا هر پرداختی را در صورت وجود اعتبار می‌توان تحت عنوان پرداخت مستقیم انجام داد. واضح است که هرچه اقتصاد فقیرتر و کشور کوچکتر باشد این کار دشوارتر است و به عبارت دیگر راه فراری است برای کشورهای پیشرفته و پولدار از مقرراتی که برای سایرین وضع کرده‌اند. در این سند تمهید دیگری نیز اندیشیده‌اند که گرچه به طور مستقیم به بحث ما مربوط نمی‌شود ولی به عنوان شاهدهی بر نبود حسن نیت کامل کشورهای پیشرفته در تجارت بین‌المللی مفید است و آن پیشبینی ماده‌ای است که اگر اقدامی در ارتباط با امنیت ملی کشوری توصیه‌پذیر باشد از شمول مقررات گات معاف است و این ماده‌ای است که آمریکا برای تحریمهای اخیرش که در تضاد آشکار با مصوبات گات است، علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است. آیا واقعاً سرمایه‌گذاری کشوری ثالث در کشور ما امنیت ملی آمریکا را به خطر می‌اندازد؟ تو خود "حدیث مفصل بخوان از این مجمل". این ایرادها و بحثهای علمی و منطقی بسیار دیگری که در این زمینه وجود دارد و به منظور اجتناب از اطناب کلام از آن صرف نظر می‌شود نشان می‌دهد که نظریه برتریهای نسبی مورد سوء استفاده قرار گرفته است کاش دیوید ریکاردو بنیانگذار این نظریه زنده بود و فریاد برمی‌آورد که تحریفهای انجام شده در نظریه او آن را از محتوای علمی اولیه خالی کرده است. این نظریه بر اساس تفاوت‌های طبیعی در دنیایی بدون هرگونه دخالت دولتی و خارجی اعتبار دارد نه در جهانی سرشار از دخالت و سوء نیت و سلطه سیاسی و تکنولوژیکی و نظامی. دلیل اینکه این سمپوزیوم، تجارت جهانی را فقط پس از بهره‌برداری از کلیه امکانات تولید داخلی مجاز دانسته است، نخست همین اشکالات اساسی است که در زیر ظاهر فریبنده نظریه برتریهای نسبی مخفی است و دوم تأثیر منفی است که واردات بر امکان تولیدات داخلی برجای می‌گذارد. وارد کردن مواد غذایی برای هر کشور جاذبه‌های زیادی دارد. یکی اینکه از نظر سیاسی راحت‌ترین راه راضی نگاهداشتن مصرف‌کننده است. زیرا کشورهای صادرکننده کالاهای کشاورزی به منظور حفظ درآمد و اشتغال

بازار آزاد و لزوم حمایت از کشاورزی

کشاورزان خود به صادرات یارانه‌ای می‌پردازند (در کشورهایی که با طغیان تولید مواجهند به هر طریق باید عرضه اضافی را از بازار داخلی خارج کنند تا قیمت‌ها را سطحی معقول حفظ کنند و کشاورزان به تولید ادامه دهند. حتی به بهای سوزاندن و ریختن محصول به دریا که داستانهایش را شنیده‌ایم ولی شاید تبلیغات ضدامپریالیستی تصور کرده‌ایم). در نتیجه کشور واردکننده که خود به دلیل ضعف تکنولوژی تولیداتش گران تمام می‌شود با یک تیر چند هدف را نشانه می‌رود. مصرف‌کننده راضی است چون غذای ارزان مصرف می‌کند (هدف سیاسی) عرضه زیاد می‌شود و از شتاب تورم می‌کاهد (هدف اقتصادی) دست‌اندرکاران تجارت خارجی یا به مفهوم درست‌تر واردکنندگان بخش خصوصی که به طور انحصاری یا شبه انحصاری عمل می‌کنند، هرچه واردات زیادتر باشد بیشتر سود می‌برند و چون از امکان اعمال فشارهای گروهی سیاسی برخوردارند، رضایتشان موجب آرامش خواهد بود. (هدف انحصاری) اما نکته مهم آن است که با این کار امکانات تولید داخلی در نطفه خفه می‌شود و هیچگاه امکان ظهور و بروز نمی‌یابد. تکنولوژی فرایندهای تولید پیشرفت نمی‌کند و هرگز امکان رقابت در تولید به دست نمی‌آید. نکته مهم آن است که برتریهای نسبی تکنولوژیکی امری ایجاد کردنی است نه ثابت و سرنوشت محتمل.

پژوهش و نوآوری و انگیزه، این برتریا را به وجود می‌آورد اگر کشوری به واردات بسنده کرد، به طور اصولی این مقولات برایش مطرح نمی‌شود که به دنبال تحصیلش برود و به همین دلیل است که اول باید به امکانات تولید داخلی تکیه کرد و اگر پس از همه تلاشها برای مدتی واردات لازم بود، دست به دامان تجارت خارجی شد.

نکته مهمتر آنکه در کشورهای جهان سوم ارز یکی از منابع کمیاب و مؤثر در توسعه است. این دو ویژگی یعنی کمیابی ارز که در اثر نبود صادرات اتفاق می‌افتد و تأثیر آن بر توسعه که به دلیل امکان کسب دانش و تکنولوژی روی می‌دهد هر کشور در حال توسعه را با یک انتخاب سرنوشت‌ساز مواجه می‌سازد:

یا باید ارز موجود را صرف واردات غذا و سیر کردن شکمها کرد و یا باید آن را صرف کسب دانش و تکنولوژی مناسب نمود و به توسعه دست یافت. انتخاب گزینه اول، استمرار توسعه نیافتگی

و پیامدهای منفی پایان ناپذیر آن را در بردارد و اجتناب از آن نیز در گرو بهره‌برداری از امکانات داخلی قبل از روی‌آوری به واردات است. به طور خلاصه، این انتخاب راهی آسان ولی زیان‌آور است که جز بی‌خردی و تن‌آسایی توجیهی بر آن منصور نیست. راه دوم راه اصولی و اساسی ولی دشوار و درازمدت است. خوشبختانه در این زمینه پس از سالها، راه درست را یافته‌ایم. اگر جز این بود به دلیل واضح دو برابر شدن جمعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون باید لااقل ۵۰٪ غذایمان را وارد می‌کردیم. خوشبختانه در حال حاضر با خودکفایی فاصله‌ای چندان نداریم و در صورت استمرار حمایتها و سیاستهای درست دولت و همت درخور تقدیر وزارتخانه‌های مربوط و تلاش شبانه‌روزی و جانکاه کشاورزان برخوردار از انگیزه‌های اقتصادی انشاء... به سر منزل مقصود خواهیم رسید و به کمک پژوهشهای نظامدار و هدفمند به تکنولوژی و فرایندهای مناسب و پیشرفته و برتریهای نسبی لازم نیز دست خواهیم یافت و در آن زمان است که می‌توانیم به رقابتهای بین‌المللی وارد شده و در شرایطی همسان، برتریهای نسبی بین‌المللی را ملاک کار قرار دهیم.

چهارم - توسعه سازمانهای اجتماعی، مشارکت فعال محلی، عدم تمرکز و افزایش نقش زنان از موضوعات مهمی است که به طور تقریب در کلیه سازمانهای بین‌المللی، ترجیح‌بند کلیه مجتهدان، مذاکرات و تصمیمات است. خوشبختانه هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این موضوعات به صراحت بیان شده و هم در برنامه دولت توجه و تأکید بسیار بر این امور اعمال می‌شود. گرچه به نظر می‌رسد با عملی شدن قانون شوراها و با به ثمر رسیدن کامل اقداماتی که در مورد افزایش نقش زنان در برنامه‌های دولت از مدتها قبل آغاز شده است، در مقایسه با بسیاری از کشورها از وضع به مراتب بهتری برخوردار بوده و با مشکل خاصی مواجه نباشیم، ولی تداوم بررسیهای تخصصی بویژه از دیدگاههای اجتماعی سیاسی در این زمینه‌ها یکی از مواردی است که نیازمند توجه بیشتر و معرفی و ترویج فراوان‌تر است.

پنجم - حذف یارانه‌های اضافی و ابقاء کمکهای لازم به بخش کشاورزی از جمله مسائل ظریفی

بازار آزاد و لزوم حمایت از کشاورزی

است که از ابعاد اقتصادی و سیاسی تخصصی برخوردار است. پرداخت یارانه‌های بی‌رویه تولیدی تخصیص بهینه منابع را دچار نا به سامانی می‌کند و حاصلش آن است که منابع ملی به بهترین نحو ممکن مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. پرداخت یارانه‌های مصرفی با تأثیر بر سطح نسبی قیمت‌ها، تقاضای واقعی مصرف‌کننده را منعکس نمی‌کند که این پدیده به نوبه خود با اعلام اولویتهای اشتباه به تولیدکننده باز بر تخصیص ناهینه منابع می‌افزاید ولی همان طور که در بند سوم توضیح داده شد از آن جا که کشاورزی در کل جهان از یارانه قابل توجهی برخوردار است حذف آن در کشورهای در حال توسعه ممکن است پیامدهای منفی انگیزشی و توقف توسعه را به دنبال داشته باشد. بنابراین این مقوله نیز از بحثهای تخصصی پیچیده‌ای است که باید در شرایط خاص هر کشور مورد بررسی و تصمیم‌سازی علمی قرار گیرد و بتدریج هماهنگ با پیشرفت تکنولوژی و کسب برتریهای نسبی به حذف تدریجی آن اقدام شود. این موضوع در سند نهایی گات نیز مورد توجه قرار گرفته و برای سه گروه از کشورها به نسبت توسعه یافتگی آنها زمانهای متفاوتی برای حذف یارانه‌ها پیشنهاد شده است. ما نیز باید با نگاهی به این ترتیبات و سایر اجبارهای بین‌المللی ولی با توجه عمیق و تأکید خاص بر ویژگیهای کشاورزی، اجتماعی و فرهنگی موجود تک تک موارد را بررسی کرده و به تصمیمی علمی و صحیح دست یابیم. انشاء...

مردادماه ۱۳۷۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی